

ادامه از صفحه ۴

بنگاه‌های رفاقتی ذیل شرکت‌های دولتی

با وجود آنکه حساب او هیچ عملکردی نداشته، یعنی نه پولی به آن واریز شده و نه پولی از آن برداشت شده بود. اما ما با وجود آنکه خطاهای بسیار هم از افراد می‌بینیم، هیچ برخوردی با او نمی‌کنیم و حتی او را از سمت خود عزل هم نمی‌کنیم. قوانین بسیار زیبایی نوشته شده است اما هیچ‌کدام از آنها به اجرا در نمی‌آیند. به بیان دیگر ضمانت اجرایی قوانین در کشور ایران بسیار پایین است. وقتی اشتغال هم‌زمان در ایران محرز می‌شود، قانون، ما می‌گوید باید فرد از یکی از سمت‌ها عزل شود. حتی اگر عزل هم بشود، او پیوندهای زیادی ایجاد کرده که پس از رفتش هم تأمین منافع عده‌ای خاص صورت می‌گیرد. حتی انحراف از عملکرد نیز هیچ پاسخ‌گویی‌ای برای فرد ایجاد نمی‌کند. چرا دعوا بر سر مدیریت زباد است؟ چون هیچ‌کسی به هیچ مدیر ناکارآمدی نمی‌گوید چرا عملکردی ضعیف داشته‌ای. فرد نیاز به پاسخ‌گویی درباره عملکردش ندارد و در دوره مدیریتش می‌داند که به اصطلاح بار خود را بسته است. شاید بشود به فقدان رسانه‌های آزاد و نهادهای مدنی در پایین‌بودن ضمانت اجرایی قوانین اشاره داشت.

کادستروالعمل‌هایی برای مدیریت اشتغال هم‌زمان به ابتکار برخی سازمان‌ها تهیه شده است. مثلا سال گذشته سازمان بهزیستی کارمندان خود را که هم‌زمان مراکز توانبخشی خصوصی داشتند، مکلف کرد از بین موقعیت در سازمان بهزیستی، و اشتغال در بخش خصوصی یکی را انتخاب کنند. یک تجربه شکست‌خورده در این زمینه هم تلاش آقای آخوندی برای مقابله با اشتغال هم‌زمان کارمندان شهرداری و بقیه نهادها در نظام مهندسی و نظارت بر ساختمان‌سازی بود. آیا در حوزه تخصصی شما تلاش‌های مشابهی برای رفع اشتغال هم‌زمان انجام شده است؟

قوانین و آیین‌نامه‌ها بعضا خودش باعث بروز فساد می‌شود. در حوزه شرکت‌های دولتی و بانکی، بحثی به نام آیین‌نامه مالی، معاملاتی شرکت‌ها وجود دارد. به‌تازگی جلسه‌ای هم درباره همین آیین‌نامه داشتیم و آنچه در جلسات عنوان کردم، این است که آشکارا سهو بزرگی را در سیستم انجام داده‌ایم. اگر نگوییم سهو رخ داده، شاید دانش کافی برای تهیه آیین‌نامه‌ها نداریم؛ چون این آیین‌نامه‌ها بسیار سطحی و سبک نوشته شده‌اند. بر همین اساس هم روابط مالی در شرکت‌ها و بانک‌ها شکل می‌گیرد. این آیین‌نامه بحث معامله با اشخاص مرتبط و غیرمرتبط

را مطرح می‌کند و اتفاقا با همه چشم‌پوشی‌هایی که حسابرسان دارند، به‌قدری مشکلات در این حوزه زیاد است که کامنث‌های زیادی از سوی حسابرسان از معاملات با افرادی که ممنوع بودند، نوشته شده است. شرکت‌های دولتی اخیرا از یک تکنیک استفاده می‌کنند و آن این است که شرکت‌هایی در زیرمجموعه خود ایجاد می‌کنند با اختیار مالکیت کامل؛ آن‌هم تنها با ۴۰ درصد سهم. یعنی ۶۰ درصد شرکت را به بخش خصوصی واگذار می‌کنند و شرکت ظاهر خصوصی پیدا می‌کند اما مدیریت آن با خود دولت است. این خودش محل فساد است. در قانون پیش‌بینی شده است که سهام‌داری بالای ۵۰ درصد دولت، شرکت مزبور را دولتی می‌کند اما اگر سهم دولت ۴۹.۹ درصد باشد، آن شرکت خصوصی است. حال شرکت‌های دولتی از این قانون بهره می‌برند و شرکت‌هایی ایجاد می‌کنند که خصوصی است و از هیچ‌یک از قوانین مربوط به شرکت‌های دولتی تبعیت نمی‌کند اما دولت آنجا مدیریت دارد. این اتفاق اخیرا هم در بورس اتفاق افتاده است؛ یعنی تأمین مالی بدون واگذاری مدیریت برای بسیاری از شرکت‌های دولتی صورت گرفت. الان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های فساد، ایجاد شرکت‌های زیرمجموعه با رفقاست. با سهام کمتر از ۵۰ درصد، مدیریت می‌کنند و به دولت هم پاسخ‌گو نیستند. معروف‌ترین آنها هم بانک ملی است با بیش از ۳۰۰ شرکت زیرمجموعه. یک تبصره‌ای ذیل ماده ۲ قانون تنظیم وجود دارد که یک تبصره نیم‌خطی است. این تبصره باعث شده بانک ملی امروز اینکه بانک ملی صدرصد دولتی است اما تمام شرکت‌های زیرمجموعه آن غیردولتی است و به جایی پاسخ‌گو نیستند. بانک ملی می‌گوید من این شرکت‌ها را با سپرده مردم ایجاد کرده‌ام پس به دولت پاسخ نمی‌دهم. او حتی حاضر نیست هیچ گزارشی از عملکرد شرکت‌ها را هم به مردم بدهد. بسیاری از شرکت‌های دولتی ما که با یک هدف مشخص حاکمیتی ایجاد شده‌اند، امروز در بورس عرضه شده و به محض اینکه ۵۰ به علاوه یک سهام آنها واگذار می‌شود، دولت دیگر هیچ‌گونه نظارتی بر عملکرد آن شرکت ندارد. حال وظایف حاکمیتی آن شرکت چگونه و با چه سایقی قرار است انجام شود، مشخص نیست. در واقع ضعف قوانین ما خودش باعث ایجاد فساد می‌شود. در شستا، شرکت‌های ناکارآمد تأمین اجتماعی برای واگذاری در بورس عرضه شده است؛ شرکت‌هایی که سودآوری آنها حتی به پنج درصد هم نمی‌رسد. اما سکان‌دار مدیریتی این شرکت‌های واگذار شده همچنان تأمین اجتماعی است. سهام‌داران ما فقط سهام‌دار نیستند بلکه تأمین‌کننده مالی هم هستند. اما واگذاری واقعی اتفاق نیفتاده است و به همین دلیل بسیاری از کارشناسان ریزش بورس را پیش‌بینی می‌کنند؛ شویی از سهام‌داری راه انداختیم، بدون اینکه شرکت واقعا به سهام‌دار واگذار شود و بدون اینکه شرکت به سهام‌داران خود پاسخ دهد. قوانین ما بسیار ضعیف است.

تصمیم دولت برای تعیین سقف اجاره‌ها با ضمانت اجرائی عملیاتی می‌شود

ورود به مسئله مؤجرهای گران‌فروش



مصوبات ستاد کرونا حکم قانون را دارد

عقبایی در تشریح دلایل ورود دولت به بحث قیمت‌گذاری برای اجاره‌بها برخلاف قوانین رایج بیان می‌کند: درحال‌حاضر کشور وارد یک حالت بحران شده است. در حالت بحران، ستاد کرونا تشکیل شد و نمایندگان سه قوه در این ستاد حضور دارند. بنابراین مصوبات ستاد کرونا حکم قانون را پیدا می‌کند. او ادامه می‌دهد: اگر ما بحرانی نداشتیم و ستاد کرونايي وجود نداشت، امکان‌پذیر نبود که دولت بتواند برای مستأجران یا فروشندگان مسکن سقف قیمت تعیین کند. برای این تصمیم هم هیچ ضمانت اجرائی وجود نداشت اما ستاد کرونا گفته است با توجه به اینکه کشور از نظر اقتصادی دچار مضيقه است و کارمندان و دهک‌های پایین جامعه برای تأمین معاش دچار مشکل هستند، باید اجاره‌بها سقف داشته باشد.

نایب‌رئیس اول صنف اتحادیه مشاوران املاک می‌گوید: تصمیم ستاد کرونا به این دلیل بود که افزایش حقوق کارمندان و دهک‌های پایین جامعه معادل ۱۵ تا ۲۲ درصد بود؛ درحالی‌که تورم عمومی کشور براساس آمار خود مرکز آمار ایران در فروردین ۹۹،۲۰۳۰ درصد بوده است، پس رشد درآمد طبقات ضعیف و متوسط جامعه از تورم فروردین هفت تا هشت درصد عقب‌تر است.

مصوبه ستاد کرونا مانع رشد اجاره‌بها شد

به گفته عقبایی مصوبه ستاد کرونا توانست قیمت اجاره‌بها را کنترل کند و یک مرهم و مسکنی برای عدم افزایش غیرمتعارف اجاره‌بها باشد. او اضافه می‌کند: اگر این مصوبه نبود، ممکن بود اجاره‌بها خیلی بیشتر از اینها افزایش یابد. این مصوبه هم از نظر روانی و هم اجرائی در بازار مسکن بسیار اثرگذار بود.

نایب‌رئیس اول صنف اتحادیه مشاوران املاک درباره قابلیت اجرائی این مصوبه بیان می‌کند: این مصوبه قابلیت اجرائی هم دارد. زیرا اگر یک موجری بگوید در شهر تهران افزایش ۲۵درصدی را قبول ندارم و می‌خواهم اجاره‌بهای منزل خود را ۵۰ درصد افزایش دهم، مستاجر هم اگر نمی‌خواهد باید خانه را تخلیه کند، ضمانت اجرای این قانون، در اینجا روشن می‌شود. او ادامه می‌دهد: بر اساس توافق سه قوه، دادگاه‌های ما در ایام تعیین‌شده در مصوبه دستور تخلیه برای مستاجر صادر نمی‌کنند و مستاجر لازم نیست محل سکونت خود را تخلیه کند. این مالک است که باید به شورای حل اختلاف برای گرفتن دستور تخلیه مراجعه کند. شورای حل اختلاف هم

تصمیم دولت برای تعیین سقف اجاره‌ها با ضمانت اجرائی عملیاتی می‌شود

باتوجه به مصوبه ستاد کرونا دستور تخلیه نمی‌دهد. او یادآور می‌شود: البته مصوبه ستاد کرونا یک مصوبه مضیق است و برای آن زمان تعیین شده است و همیشگی نیست. این مصوبه تا سه ماه بعد از اعلام وضعیت سفید کرونا در کشور اعتبار دارد. بعد از آن لازم‌الاجرا نیست و تعیین اجاره‌بها به شرایط عادی بازمی‌گردد. عقبایی حالت‌های مختلفی که ممکن است بین مالک و مستاجر پیش بیاید و تصمیماتی را که در این رابطه گرفته شده است، تشریح می‌کند. او می‌گوید: اگر مستاجر بگوید رقم مصوب در باره سقف اجاره‌بها را افزایش نمی‌دهم، در این صورت موجر می‌تواند به استناد همین قانون به شورای حل اختلا ف مراجعه کند و اعلام کند مستاجر از مصوبه ستاد کرونا سوااستفاده می‌کند.

نایب‌رئیس اول صنف اتحادیه مشاوران املاک بیان می‌کند: اگر موجر بگوید که خودش در این خانه می‌خواهد بنشیند یا دختر و پسرش ازدواج کرده و قرار است از این خانه استفاده کنند، هیچ‌یک از این فروض تا پایان اعلام وضعیت سفید کرونا در مراجع قضاتی مسوم نیست.

به گفته او مستأجرانی داریم که خانه خود را اجاره داده‌اند و خودشان هم مستاجر هستند. مثلا خانه فردی در خیابان فاطمی است و خودش در جردن ساکن شده است، درحال‌حاضر که وضع اقتصادی بد است، این فرد می‌خواهد به خانه خیابان فاطمی خود بازگردد، در این شرایط مصوبه ستاد کرونا اجازه نمی‌دهد که این جابه‌جایی انجام شود.

عقبایی عنوان می‌کند: اگر موجر بخواهد خانه‌اش را بفروشد، اینجا هم قانون‌گذار برای آن ضمانت اجرا دیده است و گفته اگر صاحبخانه رسما خانه‌اش را فروخت، نه به این معنا که اسناد صوری تهیه کند بلکه در دفتر خانه اسناد رسمی انتقال انجام شود، فرد استعمال شهرداری و... را بگیرد و خانه را بفروشد، مستاجر دو ماه پس از انتقال سند مهلت دارد که آن خانه را در اختیار داشته باشد تا خانه جدید پیدا کند.

به‌فکر دوران پساکرونا باشیم

نایب‌رئیس اول صنف اتحادیه مشاوران املاک اگرچه مصوبه ستاد کرونا را به نفع اقتصاد بازار مسکن معرفی می‌کند، اما بر این باور است که این مصوبه صرفا یک مسکن است. او می‌گوید: باید به فکر دوران پساکرونا باشیم. ممکن است وضعیت بازار مسکن بعد از کرونا به شرایط قبل بازگردد. دولت بر اساس قانون اساسی تکلیف دارد که مسکن مناسب برای مردم تهیه کند و از امروز باید به فکر مسکن استیجاری باشد. به فکر مسکن مناسب و تسهیلات با سود

پایین باشد که مستأجران بدهکارتر نشوند.

عقبایی ادامه می‌دهد: در بسته دوم دولت به‌جز تعیین سقف اجاره‌بها ارائه تسهیلات به مستأجران هم دیده شده است. پیشنهاد می‌کنم که این تسهیلات در این روزها که در پیک جابه‌جایی‌ها هستیم، به مستأجران پرداخت شود و تبدیل به نوشداری بعد از مرگ سهراب نشود.

او عنوان می‌کند: ارائه تسهیلات در بهمن و اسفند به درد مستاجر نمی‌خورد. سود تسهیلات هم باید به نحوی باشد که مستاجر با بدهکارتر از قبل نکند. باید سودش در حد کارمزد جزئی باشد تا به‌این‌ترتیب یک سوبسیدی به مستأجران ارائه شود.

ادامه از صفحه ۴

چرا امثال نوید محمدزاده زیر ذره‌بین هستند؟

آری! برندهای بزرگ که در ذهن و قلب مردم جای می‌گیرند، دیگر مال خودشان نیستند. این جمله را جاهای دیگر هم شنیده‌ایم. وقتی یک اثر معماری و تاریخی مهم، یک نقاشی ارزشمند و یک اثر هنری ملی محبوب مردم می‌شود، دیگر هیچ‌کس، حتی پدیدآورنده آن اثر هم مالک آن نیست و نمی‌تواند آن را تغییر دهد. این جمله یک تعارف اخلاقی با شعار ملی یا دستورالعمل حکومتی نیست، یک خرد جمعی و درک عمومی است که در رطن و درون انسان‌ها و ضمیر ناخودگاه بشر ریشه می‌دواند و عکس‌العمل‌های دفاعی نسبت به تغییر یک اثر تاریخی یا هنری ناشی از همین حس درونی – بدون هیچ قانون نوشته‌شده یا گفته‌شده – است. اتفاق مشابه در ماه‌های گذشته زمانی بود که بنیامین بهادری، خواننده، شعری جدید روی ترانه معروف «بوی عیدی» ساخته آهنگ‌ساز بزرگ اسفندیار منفردزاده با صدای خواننده محبوب دهه‌های گذشته فرهاد مهراد و شعر شهیار قنبری گذاشت و آن را در تلویزیون اجرا کرد. اعتراض شدید مردم به این اتفاق ناشی از نداشتن اجازه بنیامین بهادری از صاحبان اثر–اسامی فوق– نبود. در درون مردم این جمله احساس می‌شد که «تو به چه حقی همه خاطره و احساس ما را نسبت به این اثر جودانه و نوستالژیک از بین می‌بری؟»، کمالینکه حتی اقدامات بعدی بنیامین بهادری در اجازه‌گرفتن از صاحبان اثر و احترام به آنها نیز این احساس ناراضیاتی را به رضایت بدل نخواهد کرد. این یعنی دیگر مالک این ترانه مردم هستند و نه پدیدآورندگان آن. آقای محمدزاده عزیز!

اگرچه بسیاری از دوستداران و مخاطبان شما موافق حضور شما در این تبلیغات بودند، اما تحلیل ناراضیاتی منتقدان و دلخوری بخشی از طرفداران، دیدن و شنیدن ظاهر این جملات نیست که بر زبان می‌رانند. حداقل انتقادهای صادقانه بازتاب حسی است که در قلبشان دارند.

آنها نوید محمدزاده را جسور، رادیکال و ساختارشکن دیده و شاخه‌اند و با کتشولوار رسمی که هویت برند سن‌ایچ با محصول و برندی محافظه‌کار و بدون هیجان است و نه هویت نوید محمدزاده رابطه برقرار نمی‌کنند. هرچند جملاتی مبنی بر شجاعت و مبارزه با خود در دیالوگ‌های شما بگنجانند تا کمی دو طرف را به هم نزدیک کنند!

ادامه در صفحه ۹

در بورس شاخص باشید!

بسته اعتباری «آمادگار» پشتیبان فعالان بازار سرمایه

پارسیان بانک ایرانیان

مرکز تماس و صدای پارسیان: ۸۱۱۵۱۰۰۰

www.parsian-bank.ir

بانک پارسیان

ادامه از صفحه اول

هشدار درباره تشدید گرسنگی با شیوع کووید ۱۹

امنیت غذایی و کیفیت تغذیه، در بین آسیب‌پذیرترین گروه‌های جمعیتی به دلیل ابیدمی همه‌گیر کووید ۱۹ و تأثیرات منفی آن که بر اقتصاد و اجتماعی، تشدید خواهد شد، اثرات بسیار مخربی بر دستاوردهای مبارزه با گرسنگی در سه دهه گذشته خواهد داشت. ارزیابی اولیه مبتنی بر این گزارش حاکی از آن است که بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ متناسب با تأثیر بر وضعیت رشد اقتصادی، می‌تواند بین ۸۳ تا ۱۳۲ میلیون نفر دیگر را تا سال ۲۰۲۰ به دام گرسنگی بکشد.

برآوردهای فعلی مبتنی بر گزارش نشان می‌دهد نزدیک به ۶۹۰ میلیون نفر یا ۸.۹ درصد از جمعیت جهان - با افزایش ۱۰ میلیون نفر در یک سال و نزدیک به ۶۰ میلیون در پنج سال- به‌شمار گرسنگان در جهان افزوده شده است. تعداد مبتلایان به ناامنی شدید غذایی نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۹، نزدیک به ۷۵۰ میلیون نفر یا تقریباً یک نفر از هر ۱۰ نفر در جهان در معرض فقدان امنیت غذایی حاد قرار دارد.

با توجه به کل افراد دچار ناامنی غذایی (متوسط یا شدید)، تخمین زده می‌شود دو میلیارد نفر در جهان در سال ۲۰۱۹ دسترسی دائم به غذای سالم، مغذی و کافی نداشته‌اند و با ادامه روند فعلی مسلم است که جهان در مسیر محو گرسنگی -که از اهداف اساسی هزاره است- تا سال ۲۰۳۰ کامیاب نخواهد شد واکر این روند ادامه یابد. تعداد افراد گرسنه تا سال ۲۰۳۰ از مرز ۸۴۰ میلیون نفر نیز فراتر خواهد رفت.

این گزارش، کیفیت مواد غذایی را به‌عنوان یک عنصر مهم در امنیت غذایی و تغذیه سالم بر شمرده است. محو گرسنگی فقط زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که تمام افراد دسترسی به غذای کافی مورد نیاز و استطاعت تأمین غذای